

نشست علمی تخصصی

گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
و
انجمن ایرانی مطالعات منطقه‌ای

با همکاری
مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی
و
انجمن دانشجویی مطالعات
منطقه‌ای

۲۵ فروردین ۱۳۹۸

گزارش کامل



نشست تخصصی

پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی تصمیم ترامپ

با حضور

آقای دکتر ناصر هادیان

استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران



گزارش کامل

نشست علمی تخصصی «گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران» و «انجمن علمی ایرانی مطالعات منطقه‌ای» با همکاری «مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی» و «انجمن دانشجویی مطالعات منطقه‌ای» با عنوان «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی تصمیم ترامپ» با سخنرانی آقای دکتر ناصر هادیان استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تهران در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۹۸ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی برگزار شد. در این نشست علمی - تخصصی خانم دکتر کولایی رییس مرکز با اشاره به تصمیم ترامپ در تروریستی اعلام کردن سپاه، به اقدام‌های ج. ا. ایران در مهار تروریسم در منطقه اشاره کردند و بر ضرورت بررسی روندهای شکل گرفته تاکید کردند. خانم دکتر کولایی با یادآوری ضرورت واکنش سنجیده و عقلانی به اقدام ترامپ، از آقای دکتر ناصر هادیان دعوت کردند نقطه نظرهای خود را طرح کنند.

آقای دکتر هادیان در ابتدای صحبت‌های خود هدف اصلی آمریکا را به - طور قطع «تغییر نظام» دانسته و گفتند: «چارچوب سیاست آمریکا در قبال ایران در طول چهل سال گذشته مهار به علاوه تعامل گزینشی بوده است. برداشت آمریکا این است که ایران یک دولت انقلابی بوده و نظم موجود در منطقه و جهان را به چالش می‌کشد. از این رو آمریکا به عنوان مهم‌ترین کشور برقرار کننده این نظم، وظیفه خود می‌داند که ایران را مهار کند. اسم این مساله پالیسی^۱ است. در پالیسی، ما اجزایی مانند هدف، استراتژی، تاکتیک و راه خروج داریم. من پالیسی آمریکا را مهار و تعامل گزینشی می‌دانم. آمریکا بر سر مسایل افغانستان، عراق و مساله هسته‌ای

¹ Policy

به صورت گزینشی با ایران تعامل داشته و هیچوقت دست از سیاست مهار برنداشته است».

ایشان افزودند: «ابزار و انگیزه‌های این سیاست همواره تداوم داشته و برخی از آنها تغییر کرده‌اند. دو استراتژی یا هدف مطرح است. هدف نخست، تغییر نظام با تکیه بر گفتار و رفتار. استراتژی یا راه‌های رسیدن به این هدف چیست؟ اولین راه، استراتژی توافق و دیگری استراتژی تقابل است. استراتژی توافق همان است که پمپئو به آن اشاره کرده و ۱۲ شرط را برشمرده است. این استراتژی یعنی نظام، خودش خود را تغییر دهد و ماهیت انقلابی آن کمرنگ شود. با این وجود استراتژی تقابل ابزار متفاوتی را در اختیار دارد و از انزوای دیپلماتیک، ائتلاف سازی‌های سیاسی، جنگ روانی، فعال شدن شکاف‌های قومی مذهبی و طبقاتی، تحریم‌ها تا جنگ را شامل می‌شود. فعال کردن تهدیدها به صورت توامان در جهت این استراتژی است. بسیاری از ابزارهای این استراتژی از ۳۵ سال پیش وجود داشته است و یک رشته از آنها هم امروزه با شدت بیشتری اضافه شده است».

آقای دکتر هادیان در ادامه دلایل قرار دادن سپاه را در لیست گروه‌های تروریستی از سه جنبه اقتصادی، روانی-سیاسی و امنیتی بررسی کرده و افزودند: « این تصمیم، دلایل سیاسی- روانی، اقتصادی و امنیتی- نظامی دارد. برخلاف آنچه در آمریکا ادعا می‌کنند، اثر اقتصادی این اقدام چندان زیاد نخواهد بود زیرا با عنوان‌های دیگری، بیشتر سپاه تحریم شده بود. این اقدام نمی‌تواند چیز زیادی بر تحریم‌های اقتصادی که پیشتر علیه سپاه وضع شده بود، اضافه کند. اتهام حمایت از گروه‌های تروریستی بیشتر علیه سپاه وجود داشت. بسیاری از اشخاص و فرماندهان سپاه از قبل تحریم بودند. پس این تحریم‌ها تأثیر اقتصادی دارد اما این تأثیر اولیه این اقدام نیست. اثر یا حالت دوم، اثر روانی-سیاسی است. آمریکایی

های به قول خودشان می‌خواهند ایران را رادیواکتیو کنند. آمریکایی‌ها بیان کرده‌اند که می‌خواهند سپاه را رادیواکتیو کنند اما به نظر می‌رسد می‌خواهند "ایران" را رادیواکتیو کنند. به گونه‌ای که کسی جرات نکند در ایران سرمایه‌گذاری کند زیرا بنگاه‌های تجاری به سپاه وصل هستند. این به نظر من اثری مهمتر است زیرا جنگ روانی افزایش می‌یابد و نزدیک شدن به سپاه پرهزینه می‌شود. در منطقه هم همینطور است و آمریکایی‌ها، کشورها را از نزدیک شدن به سپاه می‌ترسانند. هدف سوم، مسائل امنیتی-نظامی است. وقتی از پمپئو در این مورد سوال می‌شود، او پاسخ می‌دهد به رئیس‌جمهور آمریکا برای مبارزه با تروریسم اختیار داده‌اند. هرچند این یک جنگ روانی است، ولی ما نباید غافل شویم. در اصل اعلان جنگ در اختیار کنگره آمریکا است و نه قوه مجریه اما اگر بخواهند جنگی راه اندازند و بگویند که سپاه یک سازمان تروریستی است، این احتمال وجود دارد که با تروریستی نامیدن سپاه، نیازی به مجوز کنگره نباشد. این مجوز را کنگره در سال ۲۰۰۱ در جریان جنگ عراق صادر کرده است و چنین جنگ‌هایی در استمرار مبارزه با تروریسم از آنجا که یک جنگ جدید نیستند نیازی به مجوز کنگره ندارند».

ایشان در ادامه احتمال جنگ برنامه‌ریزی شده را در حال حاضر دور از ذهن دانستند، اما تاکید کردند: «دو نوع جنگ دیگر همچنان محتمل است. نخست، جنگ تصادفی و دوم، جنگ ترغیبی، به این معنا که عربستان و اسرائیل، آمریکا را در جنگ با ایران درگیر کنند. من در این راستا احتمال جنگ برنامه‌ریزی شده را در سال ۲۰۱۹ دور از ذهن می‌دانم. اما در سال ۲۰۲۰ نگران جنگ برنامه‌ریزی شده هستم که با انگیزه‌های سیاست داخلی آمریکا امکان‌پذیر است. در این شرایط پر تنش سال ۲۰۱۹ ممکن است دو طرف برداشت خطا یا محاسبه خطا کنند و رویدادی اتفاق بیفتد که نه آمریکا تمایل به آن دارد و نه ایران. دومین جنگ محتمل سال

۲۰۱۹، جنگ ترغیبی است که اسرائیل، عربستان و امارات می‌خواهند راه بیندازند. آنها توان رویارویی مستقیم را ندارند و در این جنگ پیروزی از آن ایران است هر چند توان نظامی، سیاسی و اقتصادی ما کاهش پیدا می‌کند. در این مورد نیز در سال ۲۰۱۹ نگرانی وجود دارد. اما در سال ۲۰۲۰ بویژه تابستان، نگران جنگ برنامه‌ریزی شده از جانب خود آمریکا هستیم که ناشی از شرایط داخلی آمریکا و استفاده از احساسات ملی‌گرایانه آمریکایی‌ها است. جنگی برای رسیدن به این هدف که تغییر رئیس‌جمهور به مصلحت نیست. این موضوع ساده‌ای نیست اما احتمال آن وجود دارد. گزینه‌های جنگ نیز شامل جنگ‌های موضعی، جنگ‌های گسترده هوایی و جنگ تمام‌عیار است. جنگ تمام‌عیار با ایران غیر ممکن است زیرا ایران از نظر موقعیت جغرافیای و جمعیت با عراق ۲۰۰۱ بسیار تفاوت دارد. جنگ موضعی نیز آمریکا را به هدفش نمی‌رساند. آنچه بیش از همه احتمال دارد، جنگ گسترده هوایی است».

آقای دکتر هادیان با بیان اینکه «سطح نخست، جنگ موضعی شامل دویست هدف است. این سطح از درگیری نمی‌تواند آمریکا را به هدف خود برساند. سطح بالاتر، جنگ گسترده هوایی شامل دو هزار هدف احتمالی است. چنین سطحی از درگیری محتمل است. سطح سوم نیز جنگ تمام‌عیار است که آمریکا امکان آن را ندارد» این پرسش را مطرح کردند که «برای جلوگیری از این امر چه باید کرد و چه راهکارهایی وجود دارد؟». ایشان افزودند: «ما باید به افزایش توانمندی نظامی خود بیندیشیم و یک بازدارندگی نرم و نامتقارن در داخل کشور، منطقه و جهان در مقابل آمریکا ایجاد کنیم. اقدام دیگر، فعالیت‌های دیپلماتیک و افزایش توان اقتصادی به جای تاکید به خلاف حقوق بین‌الملل بودن اقدام ترامپ است. یکی از دلایل اقدام اخیر آمریکا علیه ایران، بازدارندگی مؤثری است که ایران در سوریه و لبنان علیه آمریکا ایجاد

کرده است. ایران دو منبع بازدارندگی علیه آمریکا دارد. یکی موشک‌ها و دیگری نیروهای ما در نزدیکی مرزهای اسرائیل. یعنی ما در موقعیت با مزیتی در مقابل اسرائیل هستیم و بازدارندگی ایران در مقابل اسرائیل، در برابر آمریکا نیز تفسیر می‌شود. اینها عوامل به مراتب مهمتری است. تکیه ما نیز بر بازدارندگی نیروهایمان در مرزهای اسرائیل به مراتب از موشک‌هایمان مهمتر است. آمریکا به گونه‌ای محاسبه کرده که ابزار بازدارندگی ایران را در منطقه قطع کند. در این زمینه سپاه قدس و کل سپاه را هدف گرفته و تلاش آمریکا در این راستا است».

ایشان افزودند: «شش گروه در آمریکا، پیوسته ایران را به مدار توجه می‌آورند. نخست اسرائیل، دوم، طرفداران اسرائیل، سوم، عربستان، چهارم، طرفداران عربستان، پنجم، نومحافظه‌کاران و سرانجام طرفداران رجوی. افرادی که دست اندرکار این رویه هستند، بنا دارند در دوره ترامپ دست رییس جمهور بعدی آمریکا را در رابطه با ایران ببندند».

ایشان در پایان با تاکید بر اینکه قدرت دوطرف نابرابر است و پیشنهادها باید اجرایی باشد، در چارچوب سیاست‌های کلی نظام راهکارهای زیر را طرح کردند: «نخست گذراندن قانون مبارزه با تروریسم در مجلس، به-گونه‌ای که موازنه ایجاد شده، کشورها را وادار به بی‌طرفی کند. ما باید ابتدا باید فشار را به دوستان خود -عراق، افغانستان و سوریه-افزایش دهیم تا یک موازنه‌ای در کشورشان شکل بگیرد. برای نمونه بگوییم در عراق هیچ سطحی از دولت تا مردم حق ندارد با سنتکام در ارتباط باشد. اتفاقی که می‌افتد این است که دست نخست‌وزیر عراق باز شده و می‌تواند اعلام بی‌طرفی کرده و بگوید نه سپاه را تروریست می‌دانم و نه سنتکام. یعنی ایجاد یک موازنه وحشت در این کشورها تا جایی که اعلام بی‌طرفی کنند. دوم، هر ایرانی در سراسر جهان که با سنتکام ارتباط داشته باشد، مجرم شناخته شود. سوم، ندادن ویزا به هر غیرایرانی که با

سنتکام ارتباط داشته باشد. سرانجام ندادن اجازه سرمایه‌گذاری به این افراد. چنین واکنشی می‌تواند موازنه لازم را برای اقدام‌های بعدی در سطح منطقه‌ای برقرار کند».

در پایان خانم دکتر کولایی اشاره کردند که «امیدوار بودیم این نشست با حضور هر چهار استاد برگزار شود تا تحلیل‌های متنوعی از این اقدام آمریکا ارائه شود. در نشست‌های آینده بر سطح‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تمرکز می‌کنیم تا بتوانیم به یک نگاه دقیق‌تر از این علل و عوامل برسیم. همچنین استفاده از تجربه‌های دیگر کشورهایی که به دنبال برهم زدن نظم جهان بودند را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. از این الگوها نیز در نشست‌های آینده بهره خواهیم برد».

در ادامه نشست، حاضرین نکات تکمیلی و پرسش‌های خود را مطرح کردند.

پرسش: آیا این تصویب قانون مبارزه با تروریسم فضا را متشنج‌تر و امنیتی‌تر نمی‌کند؟

آقای دکتر هادیان: امنیتی‌تر شدن فضا ایرادی ندارد. هم اکنون نیز باوجود تصویب قانون تروریستی بودن سپاه، در منطقه خلیج فارس سپاه با آمریکا ارتباط دارد. پس آمریکا این قانون را نادیده می‌گیرد. برعکس، تصویب این قانون از سوی ایران می‌تواند به خویش‌نماری دو طرف کمک کند تا هر دو محاسبه دقیقی از شرایط کنند.

آقای دکتر هادیان در پاسخ به پرسشی درمورد مسئله سوریه و عقب نشینی آمریکا از این کشور: «به زعم من، جنگ با داعش جنگ ما نبود. آنها این جنگ را جنگ شیعه و سنی قلمداد می‌کردند که پس از نابودی

داعش، حالا باید به سمت ایران شیعه برویم. الان هم آمریکایی‌ها دلیلی نمی‌بینند که در سوریه بجنگند. پس جنگ با القاعده و داعش جنگ ما نبود بلکه آنها باید می‌جنگیدند».

آقای دکتر هادیان: «ما بر سر ماندن اسد در سوریه بخش قابل توجهی از قدرت نرم خود را در منطقه از دست دادیم که باید بازسازی شود. ما نمی‌توانیم بازدارندگی متقارن سخت با آمریکا داشته باشیم بلکه می‌توانیم بازدارندگی غیر متقارن داشته باشیم هر چند هزینه‌هایی دارد».

آقای دکتر هادیان در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان در مورد ۱۵ آوریل و همچنین تلاش اروپا برای تحریک ایران به خروج از برجام: «تحلیل بر این محور وجود دارد که ایران تحریک به خروج از برجام شده و یا اینکه وادار به درگیری با آمریکا در خلیج فارس شود. پیشنهاد این دیدگاه این است که از برجام خارج نشویم. دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که باید خروج تدریجی از برجام را برای فشار به اروپا برای جدی گرفتن برجام پیگیری کرد. چهار شرط نیز در این رویکرد وجود دارد: نخست اینکه بقای ما در خطر نباشد. اگر بقای ما در خطر باشد، برجام را ادامه نمی‌دهیم. دوم آستانه تحمل مردم نسبت به این مسئله کدام حد است؟ سوم امکان تکنولوژیک ما در چه سطحی است؟ و چهارم هم تحریم‌ها. در صورت حصول شدن این چهار شرط، خروج تدریجی از برجام امکان‌پذیر است. خروج از برجام نیز چهار فاز دارد و فاز نخست اولتیماتوم است تا اروپایی‌ها مساله را جدی بگیرند».

پرسش: نا اطمینانی‌ها و شگفتی‌های دوره ریاست جمهوری ترامپ که احتمالاً تأثیر گذار باشد کدام است؟

آقای دکتر هادیان: وضعیت در خلیج فارس، و اقدامات عربستان و امارات برای به جنگ کشاندن آمریکا با ایران.

پرسش: اینکه شما فرمودید جنگ داعش جنگ ما نبود، این پرسش مطرح می‌شود که اگر داعش از اسرائیل، ترکیه و عربستان قدرت لازم را می‌گرفت و سوریه و عراق را تصرف می‌کرد، هدف بعدی آن ما بودیم. این خطرناک‌تر نبود تا اینکه ما منتظر بنشینیم تا آمریکا داعش را از بین ببرد؟

آقای دکتر هادیان: آمریکایی‌ها خیالشان راحت بود که ما در حال جنگ با داعش هستیم. با عقب نشینی ما و اگر ما نبودیم، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها نمی‌گذاشتند داعش در سوریه پا بگیرد زیرا بخشی از اقدامات داعشی‌ها علیه اسرائیل، اروپا و آمریکایی‌ها بود.

پرسش: اگر جمهوری اسلامی ایران بخواهد با همین وضعیت اقتصادی به مقاومت خود ادامه دهد، در صورتی که در ۲۰۲۰ ترامپ دوباره رئیس‌جمهور شود، راه حل چیست؟

آقای دکتر هادیان: سفرهای ظریف به چین، روسیه، سوریه و عراق برای کم‌رنگ کردن تحریم‌ها است.

پرسش: آیا خطری که در خلیج فارس هست را می‌توان با کاهش تصدی‌گری سپاه پاسداران در حوزه‌های نظامی برطرف کرد؟ آیا جایگزین شدن تصدی‌گری سپاه با ارتش در نقاط پرخطر راه حل نیست؟
آقای دکتر هادیان: قطعاً می‌تواند کمک کند ولی راه حل مسئله نیست. زیرا اگر نیروی انتظامی و یا ارتش نیز عهده‌دار امنیت خلیج فارس شوند، این اختلاف‌ها اجتناب‌ناپذیر است زیرا این دو کشور با هم اختلاف دارند. شاید با این اقدام، اختلاف‌ها کاهش یابند ولی حذف نمی‌شوند. راه

حل اساسی آن یک توافق است همانند توافقی‌هایی که میان شوروی و آمریکا شکل گرفت.

پرسش: تا زمانی که داعش موصل را اشغال نکرده بود، رسانه‌ها داعش را نیرویی می‌دانستند که در هماهنگی با ایران فعالیت می‌کند. با اشغال موصل، داعش در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفت. عداوت و دشمنی با شیعیان نیز جز شعارهای داعش بود. به نظر نمی‌رسد که اشاره به این جزئیات، فضا را عوض کند؟

آقای دکتر هادیان: الهیات داعش با الهیات القاعده متفاوت است. ترجیح می‌دهم مسیر مبارزه با طالبان را با داعش نیز ادامه می‌دادیم و اعلام می‌کردیم که این موارد خط قرمز و منافع حیاتی ما است. ما می‌توانستیم از این منافع دفاع کنیم و کاری با داعش نداشته باشیم.

آقای دکتر هادیان: روشنفکران ما هیچ‌گاه امنیت ملی را تئوری‌پردازی نکردند و امنیت ملی در محاسبه‌های ما مغفول مانده است. ما باید مردم‌سالاری، آزادی و جامعه مدنی را با امنیت ملی پیوند بزنیم. یعنی نه تنها بخاطر اینکه این ارزشها، ارزش‌های خوبی هستند، بلکه به دلیل نقش آنها در افزایش امنیت ملی به آنها توجه داشته باشیم.

پرسش: دکتر بشیریه در سال ۱۹۸۴ نقش توافق نفتی عربستان و آمریکا را در فروپاشی رژیم پهلوی مؤثر دانسته و همچنین با توجه به نقش توافق نفتی عربستان و آمریکا در فروپاشی شوروی، آیا با وجود همکاری نفتی عربستان با آمریکا و تلاش برای جبران کاهش عرضه نفت ایران در بازارهای جهانی، امکان گفتگوی ایران و عربستان وجود دارد؟

آقای دکتر هادیان: جنگ یمن شاید تولد دولت مدرن در عربستان باشد. برای اولین بار است که عربستان خود برای امنیت خود اقدام می‌کند و تصمیم می‌گیرد. با وجود اینکه ما چندین پیام برای از سرگیری روابط به

این کشور فرستادیم عربستان در حال حاضر تمایلی به گفتگو با ایران ندارد.

پرسش: چطور باراک اوباما با یک امضاء وارد برجام شد و ترامپ با یک امضاء از آن خارج شد؟

آقای دکتر هادیان: اگر این برجام، معاهده بود و پنج قطعنامه سازمان ملل پشت آن بود، ترامپ از آن خارج می‌شد و آن کار را هم کرد. برجام برای ما خوب بود. به نظر من اورانیوم غنی شده حتی تا ۹۹٪ نیز برای ما بازدارندگی ایجاد نمی‌کند.

خانم دکتر کولایی: امیدواریم بتوانیم در نشست‌های بعدی، دیدگاه‌های مختلف را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهیم و صدایی باشیم که در حوزه‌های تصمیم‌گیری مورد توجه قرار بگیرد و از این دیدگاه‌ها در جهت منافع مردم ایران استفاده شود.

پایان

مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،
مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی.

تلفن: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶-۰۲۱۶۱۱۲۳۱۰

نمابر: ۰۲۱۶۶۹۵۳۹۹۶-۰۲۱۶۶۴۱۹۷۰۴

پست الکترونیک: cces@ut.ac.ir

تارنما: cces.ir و cces.ut.ac.ir

Central Eurasia Studies Center

Address: Faculty of Law and
Political Science, University
of Tehran, Enghelab Ave,
Tehran, Iran.

Website: cces.ut.ac.ir

Email: cces@ut.ac.ir

Tel No: +982166419704